



نام و نام خانوادگی:

زمان برگزاری:



تیام خزاعی

نام آزمون: تکلیف درس هفتم فارسی دوازدهم

تاریخ آزمون:

۱) کدام بیت با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؟

«باز آ که در هوایت خاموشی جنونم فریادها برانگیخت از سنگ کوهساران»

- ۱) فریاد کز غم تو فریادرس ندارم
- ۲) کوه از سیل سرشکم در صدا آید، بلی
- ۳) اگر این داغ جگرسوز که بر جان من است
- ۴) سنگ را در ناله می آرد وداع دوستان

۲) نقش واژه‌های مشخص شده در بیت زیر، به ترتیب، کدام است؟

«گر نسازد یوسفی هر روز گردون جلوه‌گر تا قیامت خلق را آن حسن روزافزون بس است»

- ۱) مفعول، مسند، قید، مفعول
- ۲) مفعول، نهاد، قید، متمم
- ۳) مفعول، نهاد، مسند، متمم
- ۴) نهاد، مفعول، مسند، مفعول

۳) در همهٔ مصراع‌ها «نهاد + مفعول + مسند + فعل» است؛ به جز:

- ۱) درون فروماندگان شاد کن
- ۲) خداوند زر بر کند چشم دیو
- ۳) کرم خوانده‌ام سیرت سروران
- ۴) مژگان تو دل را هدف تیر ستم ساخت

۴) نقش قسمت مشخص شده در کدام گزینه با گزینه‌های دیگر یکسان نیست؟

- ۱) چنین آن دو ماهر در آداب ضرب
 - ۲) دم تیغ بر گردنش چون رسید
 - ۳) برافراخت پس دست خبیر گشا
 - ۴) چو نمود رخ شاهد آرزو
- ز هم رد نمودند هفتاد حرب
سر عمرو صد گام از تن پرید
پی سر بریدن بیفشرد پا
به هم حمله کردند باز از دو سو

۵) نقش واژه‌های مشخص شده در بیت زیر، به ترتیب کدام است؟

«راز همه کرد افشا، ننموده رخ زیبا هم پرده‌درش بنگر هم پرده‌نشینش بین»

- ۱) قید، نهاد، مضاف‌الیه، مسند
- ۲) بدل، مفعول، مضاف‌الیه، مسند
- ۳) مضاف‌الیه، مسند، مفعول، مسند
- ۴) مضاف‌الیه، مفعول، مفعول، نهاد

۶) کدام بیت با ابیات دیگر تناسب معنایی ندارد؟

- ۱) بی عمر زنده‌ام من و این بس عجب مدار
 - ۲) هر شب از حسرت ماهی من و یک دامن اشک
 - ۳) به یاد یار و دیار آن چنان بگریم زار
 - ۴) نبود نقش دو عالم که رنگ الفت بود
- روز فراق را که نهد در شمار عمر
تو هم ای دامن مهتاب پر از پروینی
که از جهان ره و رسم سفر براندازم
زمانه طرح محبت نه این زمان انداخت

۷) در کدام مصراع «نهاد + مفعول + مسند + فعل» یافت می‌شود؟

- ۱) بساز با من رنجور ناتوان ای یار
- ۲) به ناز گر بخرامی جهان خراب کنی
- ۳) به کام دل نرسیدیم و جان به حلق رسید
- ۴) آب حیات من است خاک سر کوی دوست

۸) در همهٔ گزینه‌ها به جز گزینه نقش تمام کلمات مشخص شده، به ترتیب درست است.

- ۱) نسیم صبحم از من خویشتن‌داری نمی آید / گره وامی‌کنم از کار مردم تا دمی دارم (مسند - نهاد)
- ۲) مشت خاکی چون شود سیلاب را مانع ز بحر؟ / دیدهٔ ما را کجا دیوار و در حایل شود (مضاف‌الیه - نهاد)
- ۳) ما پریشان‌نظران خود گره کار خودیم / این چه حرف است که سررشته به دست ما نیست (بدل - بدل)
- ۴) های های گریه‌ام را خنده پندارند خلق / با وجود آن کز اشکم دامن دوران پر است (مفعول - مسند)



۹ کدام بیت با ابیات دیگر تناسب معنایی ندارد؟

- ۱ عاشق شو ار نه روزی کار جهان سر آید
 - ۲ نبود نقش دو عالم که رنگ الفت بود
 - ۳ همه عمر برندارم سر از این خمار مستی
 - ۴ حسنت به ازل نظر چو در کارم کرد
- ناخوانده نقش مقصود از کارگاه هستی
زمانه طرح محبت نه این زمان انداخت
که هنوز من نبودم که تو در دلم نشست
بنمود جمال و عاشق زارم کرد

۱۰ در کدام گزینه جمله‌ی چهار جزیی وجود دارد؟

- ۱ جن و ملک بر آدمیان نوحه می‌کنند
- ۲ سرهای قدسیان همه بر زانوی غم است
- ۳ خوانیمش قیامت دنیا
- ۴ کاشوب در تمامی ذرات عالم است

۱۱ مفهوم کدام بیت با ابیات دیگر همخوانی ندارد؟

- ۱ تنگ چشمان نظر به میوه کنند
 - ۲ تو به سیمای شخص می‌نگری
 - ۳ اگر در دیده‌ی مجنون نشینی
 - ۴ تو کی دانی که لیلی چون نکویی است
- ما تماشاکنان بستانیم
ما در آثار صنع حیرانیم
به غیر از خوبی لیلی نبینی
کزو چشمت همین بر زلف و رویی است

۱۲ در کدام گزینه نوع را «فک اضافه» است؟

- ۱ بی‌عشق زیستن را جز نیستی، چه نام است؟
- ۲ درد هر کس را که بینی در حقیقت چاره دارد.
- ۳ می‌تواند حلقه بر در زد حریم حُسن را
- ۴ چو از شمع رسد پروانه را نور

۱۳ نقش دستوری واژه‌های بیت زیر در کدام گزینه کاملاً درست مشخص شده است؟

- تو کافر دل نمی‌بندی نقاب زلف و می‌ترسم که محرابم بگرداند خم آن دل‌ستان ابرو
- ۱ نقاب (متمم)، محراب (مسنند)، ابرو (نهاد)
 - ۲ نقاب (مفعول)، محراب (مفعول)، ابرو (نهاد)
 - ۳ دل (مفعول)، محراب (مفعول)، ابرو (مضاف‌الیه)
 - ۴ نقاب (مفعول)، محراب (مفعول)، ابرو (مضاف‌الیه)

۱۴ کدام بیت به تحمل سختی‌ها در راه عشق اشاره ندارد؟

- ۱ چون دلارام می‌زند شمشیر
 - ۲ توسنی کردم ندانستم همی
 - ۳ درویش مکن ناله ز شمشیر اجباً
 - ۴ جمال کعبه چنان می‌کشاندم به نشاط
- سر ببازیم و رخ نگردانیم
کز کشیدن تنگ تر گردد کمند
کاین طائفه از گشته ستانند غرامت
که خارهای مگیلان حریر می‌آید

۱۵ در بیت «راست زهری‌ست شکرین‌انجام / کژ نباتی که تلخ دارد کام» نقش دستوری واژه‌های مشخص شده به ترتیب چیست؟

- ۱ نهاد، صفت، نهاد، مسند
- ۲ نهاد، مسند، نهاد، مسند
- ۳ قید، نهاد، صفت، مفعول
- ۴ قید، صفت، صفت، مفعول

۱۶ در عبارت زیر واژه‌های آتش در دو جمله به ترتیب چه نقشی دارند؟

«آنگاه که آتش عشق، او را چنان گرداند که همه‌ی جهان آتش بیند.»

- ۱ مسند - نهاد
- ۲ نهاد - مفعول
- ۳ نهاد - مسند
- ۴ مفعول - نهاد

۱۷ مفهوم کدام گزینه با بیت «ای جویبار جاری! زین سایه برگ مگریز / کاین گونه فرصت از کف دادند بی‌شماران»

- ۱ سود دنیا و دین اگر خواهی
 - ۲ ضایع مکن این دم ار دلت شیدا نیست
 - ۳ ده روزه مهر گردون افسانه است و افسون
 - ۴ نگیرد دل قرار از تاب تب بیمار هجران را
- مایه‌ی هر دوشان نکوکاری است
کاین باقی عمر را بها پیدا نیست
نیکی به جای باران فرصت شمار یارا
مگر آن دم که بیند روی جانان و دهد جان را



۱۸ همه ایات با بیت زیر تناسب مفهومی دارند به جز.....

«هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق / ثبت است بر جریده عالم دوام ما»

- | | | |
|---|---|---------------------------------------|
| ۱ | جز دل من کز ازل تا به ابد عاشق رفت | جاودان کس نشنیدیم که در کار بماند |
| ۲ | ز من یک ذره تا در سنگ باشد چون شرر باقی | نخواهد شد هوای عالم بالا فراموشم |
| ۳ | وین نغمه محبت بعد از من و تو ماند | تا در زمانه باقی است آواز باد و باران |
| ۴ | ز پادشاهی پرویز جز فسانه نماند | هزار نقش نمایان ز کوهکن باقی است |

۱۹ بیت «شکیب صبر صائب هر که از عاشق طمع دارد / ز برق آهستگی، خودداری از سیلاب می جوید» با کدام بیت در تقابل معنایی است؟

- | | | |
|---|------------------------------------|------------------------------------|
| ۱ | ای که در عشق بتان لاف صبوری می زنی | صبر کن تا زین حکایت چندگاهی بگذرد |
| ۲ | با فراق چند سازم؟ برگ تنهاییم نیست | دستگاه صبر و پایاب شکیباییم نیست |
| ۳ | ز من صبر بی او توقع مدار | که با او هم امکان ندارد قرار |
| ۴ | ما صبر نگوییم دگر باره که تلخ است | کاین میوه که از صبر برآمد شکری بود |

۲۰ اجزای تشکیل دهنده همه جمله‌ها در مقابل آن‌ها، کاملاً درست است؛ به جز:

- | | |
|---|--|
| ۱ | دانشجویان تازه‌وارد با وضعیت کنونی خوابگاه کنار آمدند. (نهاد + متمم + فعل) |
| ۲ | از ابتدای برنامه، شور و هیجان خاصی در وجود معلّم احساس می‌کردم. (نهاد + مفعول + فعل) |
| ۳ | این فضای معنوی را دوست پدرم از سالیان پیش، ترتیب داده بود. (نهاد - مفعول + مسند + فعل) |
| ۴ | در شرایط سخت و طاقت‌فرسای اسارت، همه چیز را مخفی می‌کردم. (نهاد - مفعول + مسند + فعل) |

۲۱ مفهوم رهایی‌ناپذیری عشق از کدام بیت برمی آید؟

- | | | |
|---|--------------------------------------|--------------------------------------|
| ۱ | در ازل رفته است تقدیری ز عشقت بر سرم | جز رضا دادن نگارا حيله و تدبير چیست؟ |
| ۲ | ز درد عشق اگر جان غریق بحر بلاست | هزار شکر که دل در مقام صبر و رضاست |
| ۳ | من رضا دارم اگر خواهی جفا کن یا وفا | در طریق عشق تو من عاشق بی‌خواستم |
| ۴ | ظهور غم بود از نارضایی | رضا شو تا ز غم یابی رهایی |

۲۲ مضمون بیت «بگذار تا بگریم چون ابر در بهاران / کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران» به مضمون کدام بیت زیر نزدیک تر است؟

- | | | |
|---|-----------------------------------|--------------------------------------|
| ۱ | به سنگ خاره عبث تیشه می‌زند فرهاد | به زور در دل کس جا نمی‌توان کردن |
| ۲ | همچو فرهاد بُود کوه‌کنی پیشه ما | سنگ ما سینه ما، ناخن ما تیشه ما |
| ۳ | می‌کند در سنگ خارا داغ تنهایی اثر | بیستون خاموش شد تا کوه‌کن از پا فتاد |
| ۴ | سنگ را در ناله می‌آرد وداع دوستان | بیستون فریادها در ماتم فرهاد کرد |

۲۳ در کدام گزینه مسند دیده می‌شود؟

- | | |
|---|---|
| ۱ | به عالم عشق نتوان رسیدن تا از معرفت و محبت دو پایه نردبان نسازد. |
| ۲ | این حدیث را گوش دار که «او بنده خود را عاشق خود کند». |
| ۳ | هر کسی را به خود راه ندهد و به همه جایی ماوا نکند و به هر دیده‌ای روی ننماید. |
| ۴ | عشق هر جا که باشد جز او رخت، دیگری ننهد. هر جا که رسد، سوزد. |

۲۴ نقش دستوری واژه‌های مشخص شده در همه گزینه‌ها تماماً درست است؛ به جز بیت گزینه.....

- | | |
|---|---|
| ۱ | گر آن خورشیدرو را هم سفر با خویشتن بینم / ز زلف شام غربت چهره صبح وطن بینم (مسند - مفعول) |
| ۲ | عشق در دل ماند و یار از دست رفت / دوستان دستی که کار از دست رفت (نهاد - منادا) |
| ۳ | غم عشق آمد و غم‌های دگر پاک ببرد / سوزنی باید کز پای برآرد خاری (صفت - قید) |
| ۴ | کی شعر ترانگیزد خاطر که حزین باشد / یک نکته ازین معنی گفتیم و همین باشد (مفعول - نهاد) |



۲۵ کدام بیت به درمان ناپذیری درد عشق اشاره دارد؟

- | | |
|--|------------------------------------|
| ۱ سر متابید ز تسلیم که در عرصه عشق | هیكل عافیت از زخم حمایل بخشند |
| ۲ صد گونه مرهم ار بنهی سودمند نیست | آن را که زخم بر جگر آمد ز شست عشق |
| ۳ زخم تو آن چه می کند با دل خستگان عشق | صبح نکرده با هوا گل به چمن نمی کند |
| ۴ ز تیر عشق تو زخمی به سینه می خواهم | که هر کجا روم از تو نشانه ای باشد |